

عنوان مقاله:

فردوسی و شاهنامه در گذر تاریخ (تا پایان دوره مغول)

محل انتشار:

همایش علمی شاهنامه و پژوهش های آیینی (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

جواد عباسی - عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی

جواد راشکی علی آباد - کارشناس ارشد تاریخ و پژوهشگر تاریخ شاهنامه سرایی

خلاصه مقاله:

شاهنامه فردوسی به مثابه یکی از برجسته‌ترین متون ادبی، حماسی و فرهنگی ایرانیان در گذر زمان توجه بسیاری را از حکومتها و عالمان و ادبا تا مردمان کوچه و بازار را به خود جلب کرده است. چنین توجهی به تدریج موجب شکل‌گیری تاریخی پر فرازونشیب برای شاهنامه و سراینده آن شده است. گاه زمانه و به خصوص قدرتهای حاکم و متولیان فرهنگ و مذهب با آن سر ناسازگاری داشته اند و گاه آن را پدیدهای مطلوب یافته و بزرگش داشته اند. تسلط مستقیم و غیرمستقیم دو عنصر عرب و ترک و تکاپوهای ایرانیان برای بازیابی هویت سیاسی، تاریخی و زبانی خویش در عصر فردوسی و پس از آن اهمیت شاهنامه و موضع‌گیری درباره آن را دو چندان میکرد. اگرچه نخستین قرون پس از سرایش شاهنامه برای این اثر و سراینده آن بیشتر با کم توجهی و گاه بی مهری همراه بود، اما از حدود قرن هفتم هجری شاهد خیزشی در توجه به شاهنامه و مفاهیم آن هستیم. طرفه آنکه مغولان ناآشنا با مضامین ایرانگرایانه شاهنامه در لباس حامیان نشر آن ظاهر شدند و البته کوشیدند به تاسی از آن شاهنامه‌هایی نیز برای خویش به یادگار گذارند.

کلمات کلیدی:

فردوسی، شاهنامه، نظام های سیاسی، هویت ایرانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/852369>

